



University of Tehran Press

Private Law

Home Page: <https://jolt.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-6209

Viewpoints of thought and Foundation of civil liability of imposing sanction

Sepideh Razi^{1*} | Hasan Badini²

1. Corresponding Author, Department of private law, Faculty of law and political science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: sepidehrazi@ut.ac.ir
2. Department of private law, Faculty of law and political science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: Hbadini@ut.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received May 08, 2023
Revised October 24, 2023
Accepted October 25, 2023
Published online April 29, 2024

Keywords:
Sanction,
Foundation of civil liability,
International law,
Domestic law.

ABSTRACT

Continuity of imposing sanctions against Iran and its harmful effects on natural and legal person has brought up the necessity to determine of the scope of liability due to imposing sanctions. Clarifying this issue requires examining the viewpoints of thought governing the limits of the legitimacy of sanctions and then determining the scope of civil liability due to imposing of illegitimate sanctions in domestic and international law. The present research which was written with analytical-descriptive method and using library tools, clarifies foundations of civil responsibility due to imposing sanctions in domestic and international law. Regarding the conceptual difference of civil liability foundations in domestic law and international law, civil liability due to imposing of sanctions in domestic law is subject to the theory of fault and in international law is subject to the theory of risk, but both domestic and international systems have this common point that they consider the act of violation of international law as an objective element, regardless of whether that act is intentional or unintentional. In this way, the imposition of sanctions that enforce or effect it violate international law, will causes responsibility of the sanctioning authority.

Cite this article: Razi, S. & Badini, H. (2024). Viewpoints of thought and Foundation of civil liability of imposing sanction. *Private Law*.20 (2), 227-241. DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2023.358567.1007199>



© Sepideh Razi, Hasan Badini **Publisher:** University of Tehran Press.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2023.358567.1007199>



دیدگاه‌های فکری و مبانی مسئولیت مدنی اعمال تحریم

سپیده رازی^{۱*} | حسن بادینی^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: Sepidehrazi@ut.ac.ir

۲. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: Hbadini@ut.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

تداوم اعمال تحریم‌ها علیه ایران و آثار زیان‌بار آن بر اشخاص حقیقی و حقوقی متعدد لزوم تعیین دامنه مسئولیت مدنی ناشی از اعمال تحریم را به عنوان یک مسئله مهم مطرح کرده است. روشن شدن این موضوع نیازمند بررسی دیدگاه‌های فکری حاکم بر حدود مشروعیت تحریم و سپس تعیین دامنه مسئولیت مدنی ناشی از اعمال تحریم نامشروع در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای به بررسی تحلیلی ابعاد یادشده می‌پردازد. نظر به تفاوت مفهومی مبانی مسئولیت مدنی در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل، مسئولیت مدنی ناشی از اعمال تحریم در حقوق داخلی تابع نظریه تقصیر نوعی و در حقوق بین‌الملل تابع نظریه خطر است. اما هر دو نظام داخلی و بین‌الملل دارای این نقطه مشترک‌اند که نفس ارتکاب عمل ناقص حقوق بین‌الملل را به عنوان یک عنصر نوعی فارغ از عمدی یا غیرعمدی بودن آن عمل موجب تحقق مسئولیت می‌دانند. بدین ترتیب، اعمال تحریم‌هایی که وضع یا اثر آن ناقص مقررات بین‌المللی است موجب تحقق مسئولیت مرجع تحریم‌کننده می‌شود.

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰

کلیدواژه:

تحریم

حقوق بین‌الملل

حقوق داخلی

مبانی مسئولیت مدنی

استناد: رازی، سپیده و بادینی، حسن (۱۴۰۲). دیدگاه‌های فکری و مبانی مسئولیت مدنی اعمال تحریم. حقوق خصوصی، ۲۰ (۲) ۲۲۷-۲۴۱.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2023.358567.1007199>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© سپیده رازی، حسن بادینی

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2023.358567.1007199>



مقدمه

اعمال تحریم‌ها علیه ایران طی سالیان متمادی و طرح دیدگاه‌های فکری متفاوت در مورد مشروعیت یا عدم مشروعیت اعمال تحریم‌ها این مسئله را مطرح کرد که مبانی مسئولیت مدنی ناشی از اعمال تحریم کدام است. مقصود از مبانی مسئولیت مدنی در این پژوهش مبانی نظری یا فلسفی مسئولیت از جمله نظریه تقصیر یا ایجاد خطر است که زیربنای مسئولیت مدنی را تشکیل می‌دهد. حال از آنجا که اعمال تحریم دارای وصف بین‌المللی است لازم است مبانی مسئولیت در هر دو حوزه داخلی و بین‌المللی بررسی شود.

مفهوم مسئولیت مدنی در حقوق داخلی مجموع قواعدی است که عاملان زیان را به جبران خسارت زیان دیده ملزم می‌کند؛ مگر در مواردی که اضرار به غیر به حکم قانون باشد یا ضرری که به شخص وارد شده ناروا و نامتعارف جلوه نکند (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۳۴). هرچند، در کنار جبران خسارت، بازدارندگی و جلوگیری از ورود خسارت جدید نیز حائز اهمیت است (بادینی، ۱۳۸۳: ۵۵). مفهوم مسئولیت مدنی در حقوق بین‌الملل در رویکرد سنتی، مشابه این مفهوم در حقوقی داخلی بوده و به معنای الزام به جبران خسارت ناشی عمل یا خودداری از عمل است اگر فعل یا ترک فعل مورد اشاره نامشروع و مغایر حقوق بین‌الملل باشد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۴۶۹). با بروز تحولاتی در حقوق بین‌الملل رویکرد جدیدی در این عرصه مطرح شد. بنا بر رویکرد یادشده نفع جامعه بین‌المللی در آن است که نقض حقوق بین‌الملل فارغ از اینکه خسارتی دربرداشته یا نداشته باشد موجب تحقق مسئولیت شود (Pellet, 2010: 5). از این رو، مسئولیت در مفهوم جدید به معنای پاسخگو کردن تابعان حقوق بین‌الملل در قبال نقض تعهدات بین‌المللی و پیامدهای ناشی از آن است و بدین ترتیب روابط متقابل آن‌ها را قاعده‌مند می‌سازد (Kolb, 2017: 13). شایان ذکر است برخی از نویسندگان معتقدند اهمیت و جایگاه مسئولیت مدنی در نظام حقوق بین‌الملل به مراتب بیش از نظام داخلی است. زیرا جامعه بین‌المللی محیطی است که کشورها بر اساس حاکمیتشان آزادانه تصمیم می‌گیرند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۴۶۵). از سوی دیگر، تصویب سند مسئولیت دولت‌ها برای اعمال نادرست بین‌المللی^۱ در سال ۲۰۰۱ و سند مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی^۲ در سال ۲۰۱۱ از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل و سپس تصویب قطعنامه‌های متعدد^۳ در همین زمینه توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز نشان از نیاز جامعه جهانی و اهمیت این موضوع در عرصه بین‌المللی دارد. با وجود اهمیت این موضوع، تا کنون پژوهشی در زمینه تعیین دامنه مسئولیت مدنی ناشی از اعمال تحریم نگارش نیافته است. بدین ترتیب، در پژوهش حاضر به این سؤال اصلی پاسخ داده خواهد شد که مبانی مسئولیت مدنی ناشی از اعمال تحریم در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل کدام است؟

برای تحقق این مسئولیت در عرصه داخلی و بین‌المللی نفس عمل به عنوان یک عنصر عینی و نه کشف عنصر ذهنی فاعل اهمیت دارد. اما در عین حال صرف ارتکاب عمل موجب تحقق مسئولیت نخواهد شد بلکه باید آن عمل با نقض مقررات و موازین حقوق بین‌الملل رخ داده باشد. بررسی تفصیلی این موضوع نیازمند تبیین دیدگاه‌های فکری حاکم بر اعمال تحریم است تا با روشن شدن مشروعیت یا عدم مشروعیت اعمال تحریم مبانی مسئولیت ناشی از این اقدام مورد بررسی قرار گیرد.

1. "Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts" 2001.

قابل اشاره است برخی عبارت wrongful act را «فعل متخلفانه» ترجمه می‌کنند، درحالی‌که بنا بر نظر نگارندگان ترجمه عبارت مذکور به «عمل نادرست» مناسب‌تر است. زیرا از یک طرف واژه «عمل» هم فعل و هم ترک فعل را دربرمی‌گیرد. همان‌طور که ماده ۲ سند یادشده هم بر فعل و هم ترک فعل نظر دارد. از طرف دیگر، واژه «متخلفانه» دربردارنده عنصر عمد در ارتکاب عمل است، درحالی‌که wrongful act به عامدانه بودن عمل اشاره ندارد بلکه عمل نادرست اعم از عمد و غیرعمد را شامل می‌شود. همچنین آگو، گزارشگر ویژه این سند، نیز اعلام کرد عنصر ذهنی عمد یا سوءنیت در این سند فی نفسه کنار گذاشته شده است.

2. "Draft articles on the responsibility of international organizations" 2011.

3. Resolutions of responsibility of States for internationally wrongful acts: Resolution 56/83 of 12 December 2001, the annex to which contains the text of the articles on responsibility of States for internationally wrongful acts, resolutions 59/35 of 2 December 2004, 62/61 of 6 December 2007 and 65/19 of 6 December 2010 commending the articles to the attention of Governments, Eventually Resolution 68/104 adopted by the General Assembly on 16 December 2013.

Resolutions of Responsibility of international organizations: Resolution 66/100 of 9 December 2011, the annex to which contains the text of the articles on the responsibility of international organizations, and its resolutions 69/126 of 10 December 2014 and 72/122 of 7 December 2017 commending the articles to the attention of Governments and international organizations, Eventually Resolution 75/143 adopted by the General Assembly on 15 December 2020.

۱. دیدگاه‌های فکری حاکم بر اعمال تحریم

در مورد مشروعیت یا عدم مشروعیت اعمال تحریم‌های خارج از چارچوب مقررات منشور ملل متحد، سه دیدگاه فکری مطرح شده است که به ترتیب شامل «حاکمیت کشور»^۱، «بی‌طرفی»^۲، و «منع حقوقی»^۳ می‌شود. پیش از تبیین دیدگاه‌های یادشده باید گفت برای روشن شدن مفهوم تحریم^۴ تعاریف متعددی ارائه شده است. برخی تعاریف هدف‌گرا هستند و بر روی هدف اعمال تحریم تمرکز دارند، مانند این تعریف که تحریم را «ابزار سیاست خارجی برای اعمال فشار و نوعی مجازات در پاسخ به نقض حقوق بین‌الملل» (Kolb, 2017: 401) می‌داند. برخی دیگر تحریم را با توجه به نوع اقداماتی که نسبت به شخص مورد تحریم در نظر گرفته می‌شود تعریف می‌کنند، مانند این توصیف: «تحریم مشتمل است بر خودداری از شناسایی دیپلماتیک، تحریم رویدادهای ورزشی و فرهنگی، توقیف اموال، ایجاد محدودیت‌های مختلف بر تجارت بین‌المللی، جریان‌های مالی، و جابه‌جایی اشخاص مورد تحریم» (Davis, 2013: 187). برخی تعاریف دیگر در کنار هدف‌گرایی نوع مرجع تحریم‌کننده را نیز لحاظ می‌کنند، مانند تعریف تحریم به «یک روش مداخله‌ای نسبتاً خاص که به هدف ایجاد تغییر در سیاست یا رفتار خاص در قالب قوانین، فرمان دولت، قطعنامه سازمان ملل متحد یا سند مشابهی، توسط یک کشور، سازمان بین‌المللی، یا ائتلافی از کشورها علیه کشوری دیگر استفاده می‌شوند» (Folch, 2010: 2). در تلاش برای تعریفی نسبتاً جامع‌تر که با اشاره به هدف تحریم، نوع اقدامات، و مرجع تحریم‌کننده نگارش یافته است تحریم «نوعی امتناع سازمان‌یافته از برقراری روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، یا نظامی یک دولت یا گروهی از دولت‌ها به منظور تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول در دولت مورد نظر» (وکیل، ۱۳۹۰) تعریف شده است. اما این تلاش نیز چندان موفق نبوده و تعریف به دست داده شده جامع نیست. زیرا اولاً تحریم‌های اعمال شده از سوی سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را دربرنمی‌گیرد. ثانیاً اعمال تحریم بر افراد، نهادها، و شرکت‌ها را مورد لحاظ قرار نداده است. بنابراین می‌توان گفت، تحریم عبارت از اعمال ممنوعیت یا محدودیت سیاسی، اقتصادی، نظامی، یا نظایر آن برای تغییر رفتار یا سیاست خاص شخص مورد تحریم یا تنبیه آن توسط سازمان بین‌المللی، دولت، یا گروهی از دولت‌ها است. اینک با روشن شدن مفهوم تحریم ساختار هر یک از دیدگاه‌های حاکم بر اعمال تحریم به ترتیب تبیین می‌شود.

۱.۱. دیدگاه حاکمیت کشور

دیدگاه حاکمیت کشور قدیمی‌ترین مکتب از سه مکتب فکری است که همراه با ظهور کلی دیدگاه پوزیتیویستی در نظریه حقوق بین‌الملل پدیدار شد.^۵ نظریه‌پردازانی در این مکتب در اواسط قرن هجدهم توسط نویسنده آلمانی، کریستین ولف^۶، و حقوقدان سوئیسی، امریچ دو واتل^۷، آغاز شد. بر اساس این دیدگاه هر کشوری پیرو حق حاکمیتی خود می‌تواند در مورد ورود یا عدم ورود به تجارت بین‌الملل تصمیم بگیرد. از این رو امتناع یک دولت از تجارت با دولت دیگر، صرف‌نظر از انگیزه یا پیامدهای اقتصادی آن، برای سایر دولت‌ها نامشروع نیست. زیرا وظیفه اصلی یک دولت رسیدن به کمال خود است و این وظیفه بر وظایف خود در قبال سایر دولت‌ها یا جامعه ملت‌ها اولویت دارد (Nokkala. Ere, 2021: 13). به عبارت دیگر، هر کشوری حق دارد از هر گونه تجارتی که برای آن مضر یا خطرناک است اجتناب کند و از آنجا که وظیفه هر دولت نسبت به خود بر وظیفه آن در قبال دیگران غلبه و اولویت دارد، در صورت تضاد این دو، یک کشور حق کامل دارد بنا بر مصلحت خود تصمیم بگیرد و به کسی پاسخگو نیست (Vattel & Emer, 2008: 134). بر اساس این دیدگاه، با توجه به اختیار نامحدود دولت‌ها در برقراری یا عدم برقراری روابط تجاری خود با اشخاص، اعمال تحریم موجب تحقق مسئولیت مرجع تحریم‌کننده نخواهد بود.

1. state - sovereignty

2. neutrality

3. prohibitionist

۴. معادل واژه تحریم واژه‌های متفاوتی شامل Boycott, Sanction, Embargo, Prohibitive or restrictive measures استفاده شده است که تفاوت قابل توجهی ندارند و به جای یکدیگر به کار می‌روند (وکیل، ۱۳۹۰: ۲۹۷).

5. Positivism, in Encyclopedia of Public International Law, Elsevier Science Publishers B.V., 1991, p. 133.

<https://books-library.net/files/books-library.online-02262152Dz8X7.pdf>

6. Christian Wolff

7. Emer de Vattel

طرفداران این دیدگاه به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نیکاراگوئه علیه ایالات متحده در سال ۱۹۸۶ استناد کرده‌اند. در این پرونده، نیکاراگوئه تحریم‌های تجاری ایالات متحده در سال ۱۹۸۵ علیه این کشور را به چالش کشید. دیوان اعلام کرد: «در صورت عدم وجود معاهده یا تعهد قانونی شفاف و مشخص، یک کشور مکلف نیست روابط تجاری خود را بیش از مقداری که به مصلحت می‌داند ادامه دهد...»^۱ از آنجا که چنین معاهده‌ای در این پرونده وجود داشت، دیوان تحریم‌ها را غیرقانونی تشخیص داد.^۲

دو نکته از این رأی دیوان قابل استنباط است: یک. در صورت وجود معاهده یا تعهد قانونی خاص مبنی بر برقراری روابط تجاری میان دو کشور، یک دولت نمی‌تواند به مبانی فکری دیدگاه حاکمیت دولت استناد کند؛ همان‌طور که به دلیل وجود معاهده میان دو کشور مورد اشاره دیوان تحریم‌ها را غیرقانونی دانست. از این نکته می‌توان در پرونده ایران علیه آمریکا^۳ که بر مبنای «عهدنامه مودت، روابط اقتصادی، و حقوق کنسولی» در دیوان یادشده اقامه شده و اینک در حال رسیدگی ماهوی است استفاده کرد. دو. طبق نظر دیوان «یک کشور مکلف نیست روابط تجاری خود را بیش از مقداری که به مصلحت می‌داند ادامه دهد...». بنابراین گرچه یک کشور می‌تواند روابط تجاری خود را طبق حق حاکمیتش تنظیم کند، نمی‌تواند با اعمال تحریم ثانویه در حق حاکمیتی سایر دولت‌ها دخالت کند و آن‌ها را از برقراری روابط تجاری منع کند. ضمن اینکه در همین پرونده^۴ دیوان بر اصل عدم مداخله در امور حاکمیتی دولت‌ها تأکید می‌کند.

۲.۱. دیدگاه بی‌طرفی^۵

دیدگاه بی‌طرفی حد میانه نظریه حاکمیت دولت و نظریه منع حقوقی است. این دیدگاه با بروز مشکلات مربوط به تحریم‌های اقتصادی ارائه شد و برخلاف رویکرد نخست که ماهیتی نظری دارد دارای ماهیتی تجربی و واقع‌بینانه است و منافع جامعه بین‌المللی را هنگامی که با منافع کشورها در تضاد باشد مقدم می‌داند (Neff, Stephen, 1998: p. 80).

دیدگاه نخست هیچ تمایز قانونی میان درجات تحریم قائل نمی‌شد. اما دیدگاه بی‌طرفی تمایز قابل توجهی میان درجه اولیه^۶ و ثانویه^۷ تحریم می‌گذارد و اعمال محدودیت‌ها را تا حدی مجاز می‌داند که آثار زیانباری بر اشخاص ثالث نداشته باشد (Thomas & Duncan, 2017: 370). طرح دیدگاه بی‌طرفی نشان می‌دهد دیدگاه حاکمیت دولت اعتبار خود را با توجه به حقوق اشخاص ثالث بی‌طرف از دست داده است.

تحریم ثانویه اولین ظهور مهم خود را در طول جنگ جهانی اول نشان داد؛ زمانی که متفقین و همچنین قدرت‌های مرکزی به تنظیم فهرستی از شرکت‌ها در کشورهای بی‌طرف به دلیل تجارت با دشمنان آن‌ها متوسل شدند. مثلاً، قبل از ورود ایالات

1. Nicaragua v. United States, ICJ Judgment of 27 June 1986, para. 276.

<https://www.icj-cij.org/public/files/case-related/70/070-19860627-JUD-01-00-EN.pdf>

2. Nicaragua v. United States, ICJ Judgment of 27 June 1986, paras. 277-282.

3. Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Islamic Republic of Iran v. United States of America). Online link: <https://www.icj-cij.org/case/175>

دولت ایران در تیرماه ۱۳۹۷ به موجب بند ۲ ماده ۲۱ عهدنامه «مودت، روابط اقتصادی، و حقوق کنسولی» در خصوص اعمال تحریم‌ها که با نقض عهدنامه یادشده منجر به مخدوش شدن روابط تجاری میان طرفین و محدودیت شدید بر ایران شده نزد دیوان بین‌المللی دادگستری طرح دعوا کرد. همچنین دولت ایران به منظور جلوگیری از وقوع زیان غیرقابل جبران درخواست صدور دستور موقت جهت جلوگیری از اجرائی شدن تصمیم آمریکا به بازگرداندن تحریم‌ها و اعمال تحریم‌های شدیدتر کرد. دیوان با صدور دستور موقت در مهرماه ۱۳۹۷ (۳ اکتبر ۲۰۱۸) از آمریکا خواست هر گونه مانع در زمینه صادرات آزاد دارو و تجهیزات پزشکی، مواد غذایی، محصولات کشاورزی، و قطعات و خدمات لازم مربوط به هواپیمایی کشور را رفع کند و تأکید کرد که پرداخت‌ها و سایر مبادلات وجوه تا جایی که مربوط به کالاها و خدمات دارو و تجهیزات پزشکی است مشمول هیچ محدودیتی نشود. در همان روز صدور دستور موقت، ایالات متحده آمریکا رسماً خروج خود و فسخ عهدنامه مودت را اعلام کرد. اما این اقدام توانست تأثیری بر روند رسیدگی به شکایت ایران داشته باشد. زیرا نقض این عهدنامه و مخدوش کردن مسیر تسهیل مرادوات تجاری با اعمال تحریم‌ها بی‌تردید در زمان اعتبار این معاهده به وقوع پیوسته است. به علاوه باید توجه داشت که حتی پس از خروج نیز به موجب ماده ۲۳ عهدنامه تا یک سال تعهدات طرفین پابرجا بود. دیوان بین‌المللی دادگستری صلاحیت خود را برای رسیدگی به دعوی اصلی در تصمیمی که در ۳ فوریه ۲۰۲۱ (۱۵ بهمن ۱۳۹۹) صادر شد با رد ایرادات صلاحیتی دولت ایالات متحده آمریکا پذیرفت و به موجب بند ۱۱۴ این رأی با پذیرش صلاحیت خود وارد رسیدگی ماهوی شد.

4. Nicaragua v. United States, ICJ Judgment of 27 June 1986, para 202.

5. the neutrality school

6. primary sanctions

7. secondary sanctions

متحده به جنگ دولت بریتانیا صدها شرکت امریکایی را در لیست سیاه قرار داد که باعث نارضایتی قابل توجهی شد (Bailey, 1934: 14).

شورای امنیت سازمان ملل متحد در سپتامبر ۱۹۵۱ قطعنامه‌ای تصویب کرد که در آن نسبت به سیاست مصر (843Bloomfield: 2017) در جلوگیری از عبور کشتی‌ها به بنادر فلسطین اشغالی از کانال سوئز و قرار دادن آن‌ها در فهرست سیاه ابراز تأسف کرد و از دولت مصر خواست که آن را متوقف کند. زیرا این اقدام تأثیر قابل توجهی بر کشورهای ثالث داشت و نشان‌دهنده مداخله ناموجه در حقوق کشورها برای کشتیرانی در دریاها و تجارت آزادانه با یکدیگر بود.^۱ در پاسخ به این سیاست، ایالات متحده قانونی را در سال ۱۹۷۷ تصویب کرد^۲ که به شرکت‌ها اجازه می‌داد تحریم‌های اولیه را به رسمیت بشناسند. اما آن‌ها را از انجام دادن اقداماتی که موجب پیشبرد و حمایت از تحریم‌های تجاری کشور خارجی علیه کشور دوست ایالات متحده می‌شد منع کرد. به عبارت دیگر، بر اساس این قانون شرکت‌های امریکایی نباید به کشورهای خارجی اجازه دهند در معاملات تجاری آن‌ها با اشخاص ثالث در خارج از قلمرو کشورهای مربوطه دخالت کنند (Dubin, 1979: 695). همچنین دولت فرانسه نیز قوانین ضد بایکوت مشابه قوانین ایالات متحده را در قالب اصلاحیه‌ای در همان سال تصویب کرد.^۳

ایالات متحده آمریکا، با وجود منع شرکت‌های خود از تبعیت از تحریم‌های ثانویه سایر کشورها و اعتراض نسبت به تحریم ثانویه مصر در بستن کانال سوئز، خود سابقه قابل توجهی در وضع این نوع تحریم دارد. مثلاً، ایالات متحده به عنوان بخشی از تحریم کوبا که در سال ۱۹۶۰ آغاز شد کشتی‌های خارجی را که در ارتباط با کشور کوبا بودند در لیست سیاه قرار داد و سیاست قطع کمک‌های خارجی به کشورهایی که به اتباع خود اجازه تجارت با این کشور را می‌دادند اعمال کرد (Schreiber, 1973: 387). قانون هلمز-برتون^۴ و قانون تحریم‌های ایران و لیبی^۵ از دیگر موارد اعمال تحریم‌های ثانویه است.

بنابراین دیدگاه فکری بی‌طرفی محدودیت‌هایی را نسبت به دیدگاه نخست برای اعمال حق حاکمیت کشورها در اعمال تحریم ایجاد کرد (Neff, Stephen, 1998: p. 80). محدود کردن این حق در اعمال تحریم ثانویه به منزله احترام به حق حاکمیت سایر کشورها و توجه بیشتر به منافع جامعه بین‌المللی است. به موجب این دیدگاه صرفاً اعمال تحریم‌های ثانویه موجب تحقق مسئولیت می‌شود. اما این نقد بر این دیدگاه وارد است که اعمال تحریم‌های اولیه را به طور مطلق بدون توجه به اینکه با نقض مقررات بین‌المللی همراه است یا خیر مجاز می‌داند.

۳.۱. دیدگاه منع حقوقی

بر مبنای دیدگاه منع حقوقی که در نقطه مقابل رویکرد نخست قرار دارد، اعمال تحریم اقتصادی اعم از اولیه و ثانویه مجاز نیست. این دیدگاه که پس از دو نظریه نخست ظهور کرد از نظریه اقتصادی سیاسی لیبرال نشئت گرفت و در اواخر قرن نوزدهم توسط حقوقدانان بین‌المللی با اصطلاحات حقوقی مطرح شد (Neff, Stephen, 1998: 81). این رویکرد به دنبال سیستم یکپارچه جامعه بین‌المللی و بازار آزاد از طریق اجرای اصل مزیت نسبی با توزیع بهینه منابع تولیدی است. زیرا هر دولتی که خود را از این سیستم یکپارچه دور کند موجب عدم استفاده از حداکثر کارایی در نتیجه توزیع منابع می‌شود و کاهش رشد اقتصادی جهان به ضرر کل بشریت است (Tribolo, 2017: 18). طبق این رویکرد، روابط بین دولت‌ها اساساً دارای ماهیتی تعاونی است و رسیدن به اقتصاد جهانی پویا و صلح جهانی صرفاً از طریق همکاری گسترده و متقابل میان آن‌ها تحقق می‌یابد (Neff, Stephen, 1998: p. 81).

پس از جنگ جهانی دوم، جامعه بین‌المللی در ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد منع مستقیمی را در «تهدید یا استفاده از زور» ایجاد کرد.^۶ در سال ۱۹۴۷ به دنبال دستیابی به هدف مشابه در عرصه اقتصادی موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت منعقد شد.^۷

1. Security Council Resolution 95, 1 September 1951. (S/2322), last paragraph.
 2. Export Administration Amendments of 1977, Public Law. No. 95-52, para. 202.
 3. Law n 77-574 of 7 June 1977, on diverse economic and financial matters. Under the French criminal code.
 4. Cuban Liberty and Democratic Solidarity (Libertad) Act of 1996 (Helms-Burton Act)
 5. Iran and Libya Sanctions Act of 1996 (ILSA)
 6. U.N. Charter, art. 2, para. 4.
 7. General Agreement on Tariffs and Trade, 30 October 1947, World Trade Organizations Publications.

ماده ۱۱ این موافقت‌نامه ایجاد ممنوعیت یا محدودیت در واردات و صادرات هر محصول از قلمرو یک طرف متعاقد به طرف‌های متعاقد دیگر را ممنوع کرد.

در سال ۱۹۸۲، ممنوعیت استفاده از ابزار تجاری برای مقاصد سیاسی به نحو صریح‌تری در بیانیه وزیران کشورهای عضو گات بیان شد تا اعضا از اقدامات بازرگانی محدودکننده به دلایلی که جنبه غیراقتصادی دارد و مطابق با موافقت‌نامه عمومی نیست خودداری کنند.^۱ با این حال، ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۸۳ سهمیه نیکاراگوئه برای حق صادرات شکر به بازار داخلی آمریکا را به شدت کاهش داد. پیرو این اقدام، نیکاراگوئه شکایت خود را بر اساس مقررات گات طرح کرد.^۲ ایالات متحده با اعلام اینکه کاهش واردات شکر از نیکاراگوئه کاملاً موجه است و هیچ گونه سود اقتصادی یا تجاری برای آن به همراه نداشته است ادعا کرد ماهیت این اقدام بیشتر دارای جنبه سیاسی است تا اقتصادی و بر این اساس هنجارهای گات در این دعوا قابل اجرا نیست.^۳ هیئت حل اختلاف گات قاطعانه استدلال آمریکا را رد کرد و کاهش سهمیه را نقض مقررۀ عدم تبعیض در گات دانست.^۴ بنابراین مقررات گات با ابتنا بر اصل آزادی تجارت هم‌سو با رویکرد منع حقوقی است که بر اساس آن اعمال تحریم‌های اقتصادی نه تنها آثار زیان‌باری را برای کشور هدف به دنبال دارد، بلکه به طور کلی برای اقتصاد جهانی یک آسیب محسوب می‌شود. تجلی اصلی این تحول با تکامل یک ممنوعیت حقوقی در راه‌اندازی تحریم اقتصادی و منع آن به دلیل اهمیت تجارت بین‌المللی برای صلح جهانی تحقق می‌یابد (ممتاز و جمشید، ۱۳۶۰: ۲۱۹). بنابراین، دولت‌ها باید از اقداماتی که منجر به قطع روابط تجاری و به مخاطره انداختن صلح جهانی می‌شود خودداری کنند. به نظر می‌رسد این دیدگاه اعمال تحریم اقتصادی را موجب تحقق مسئولیت می‌داند بدون آنکه نیازی به احراز نقض مقررات بین‌المللی وجود داشته باشد. زیرا این نوع تحریم آثار منفی بر اقتصاد جهانی دارد.

بنا بر نظر نگارندگان اختیار اعمال تحریم باید با دو قید محدود شود: یک. تحریم‌ها نباید به حقوق اشخاص ثالث صدمه بزند. محدود کردن این اختیار در اعمال تحریم ثانویه به منزله احترام به حق حاکمیت سایر کشورها و توجه بیشتر به منافع جامعه بین‌المللی است تا یک کشور نتواند با اعمال فراسرزمینی قوانین داخلی خود به مثابه یک قانون‌گذار بین‌المللی عمل کند و این قوانین را با تعیین مجازات نسبت به هر شخص و در هر مکانی تحمیل کند. دو. اعمال تحریم نباید با نقض تعهدات بین‌المللی همراه باشد، فارغ از اینکه منشأ یا ماهیت تعهد چیست. این تعهدات شامل معاهدات حقوق بشری،^۵ عهدنامه مودت،^۶ سند برنامه جامع اقدام مشترک،^۷ بیانیه الجزایر^۸ و همچنین اصول کلی حقوقی شامل اصل ملاحظت اولیه انسانی،^۹ اصل عدم مداخله،^{۱۰} اصل برابری حاکمیت کشورها،^{۱۱} اصل حسن‌نیت^{۱۲}، لزوم وفای به عهد^{۱۳}، و در نهایت اصل آزادی تجارت^{۱۴} نسبت به اقلام بشردوستانه می‌شود. این نظر هم‌سو با رویه قضایی بین‌المللی^{۱۵} و همچنین ماده ۲ سند مسئولیت دولت‌ها و ماده ۴ سند مسئولیت سازمان‌ها است که عمل ارتكابی از سوی دولت یا سازمان بین‌المللی را هنگامی موجب مسئولیت می‌دانند که با نقض تعهد

1. Ministerial Declaration, L/5424, 29 November 1982, para. 7(i).

2. United States-Imports of Sugar from Nicaragua: Report of the Panel 13 March 1984, (L/5607 - 31S/67).

https://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/gatt_e/85embarg.pdf

3. United States-Imports of Sugar from Nicaragua: Report of the Panel 13 March 1984 paras. 3.10 & 3.11.

4. United States-Imports of Sugar from Nicaragua: Report of the Panel 13 March 1984 para. 4.

۵. قواعد مربوط به حمایت از حقوق بشر در معاهدات و اسناد الزام‌آور متعددی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، منشور ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون حقوق کودک، مقدمه و اساسنامه سازمان بهداشت جهانی، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر بیان شده است.

6. treaty of amity, economic relation and consular rights

7. joint comprehensive plan of action (JCPA)

8. algiers accords

9. elementary considerations of humanity

10. the principle of non-intervention

11. the principle of sovereign equality of states

12. the principle of good faith

13. pacta sunt servanda

14. the principle of freedom of trade

۱۵. در آرای مراجع بین‌المللی عبارت «عمل نامشروع و ناموجه» برای پوشش هر گونه نقض مقررات بین‌المللی برای تحقق مسئولیت به کار گرفته می‌شود (Borchard, 1929: 225).

بین‌المللی همراه باشد. اینک با روشن شدن نحوه تحقق مسئولیت ناشی از اعمال تحریم مباحث مربوط به مبانی این مسئولیت در بخش بعدی بررسی می‌شود.

۲. مبانی مسئولیت مدنی در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل

در مورد مبانی مسئولیت مدنی نظریه‌های متفاوتی چه در حقوق داخلی و چه در حقوق بین‌الملل ارائه شده است که بررسی آن به منظور تعیین دامنه مسئولیت مدنی ناشی از اعمال تحریم ضروری است. از این رو، مبانی عام و خاص مسئولیت مدنی به تفکیک در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل بررسی می‌شود.

گفتنی است، محل اعمال مبانی مسئولیت مدنی ناشی از اعمال تحریم در حقوق داخلی در مواردی است که طرح دعوی مسئولیت علیه دولت خارجی در دادگاه ملی به استناد ماده ۱ «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» و قوانین مربوط در این زمینه^۱ مطرح شده باشد و محل اجرای مبانی مسئولیت مدنی در حقوق بین‌الملل در جایی است که دعوی مسئولیت در مراجع بین‌المللی علیه یک دولت یا سازمان، بنا بر سند «مسئولیت دولت‌ها برای اعمال نادرست بین‌المللی» مصوب ۲۰۰۱ و سند «مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی» مصوب ۲۰۱۱، که تدوین‌یافته حقوق بین‌الملل عرفی است، مطرح شود.

۲.۱. مبانی عام و خاص مسئولیت مدنی در حقوق داخلی

در بند حاضر، ابتدا نظریه‌های مطرح‌شده در زمینه مبانی عام مسئولیت مدنی در حقوق داخلی تبیین می‌شود و سپس مبانی مسئولیت مدنی ناشی از اعمال تحریم به طور خاص مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲.۱.۱. مبانی عام مسئولیت مدنی در حقوق داخلی

برای تعیین دامنه مسئولیت مدنی در حقوق داخلی، نظریاتی بدین شرح مطرح شده است: نظریه تقصیر به عنوان نخستین نظریه صرفاً شخصی را مسئول جبران زیان می‌داند که مرتکب عملی توأم با تقصیر شده باشد. این نظریه با عنوان مسئولیت ذهنی نیز شناخته می‌شود. زیرا تحقق مسئولیت را صرفاً در رفتار تقصیرآمیز عامل زیان جست‌وجو می‌کند (Fournier, 2015: 13) و اگر رفتار او عاری از سرزنش باشد ضمانی را بر عهده وی نمی‌گذارد (حسین‌قلی، ۱۳۷۰: ۳۰). با تکامل اقتصادی و صنعتی در اواخر قرن نوزدهم و دشواری اثبات تقصیر، کاستی‌های این نظریه آشکار شد. زیان‌دیدگانی که قادر به اثبات تقصیر عامل زیان نبودند نمی‌توانستند غرامتی را از وی دریافت کنند و در موقعیتی از بی‌عدالتی قرار می‌گرفتند. بنابراین لازم بود تا نظریه تقصیر مبنای انحصاری مسئولیت مدنی نباشد بلکه مبانی دیگری که بیشتر با نیازهای جدید اقتصادی و اجتماعی مطابقت دارد مطرح شود (Terré, 2018: 620).

بر اساس نظریه جدید که با عنوان نظریه خطر مطرح شد، چنانچه شخصی در اثر فعالیتی که دارای نفع اقتصادی یا معنوی است خسارتی به دیگری وارد کند، اعم از اینکه مرتکب تقصیر شده یا نشده باشد، مسئول جبران آن است. بنابراین مسئولیت از جنبه ذهنی به سمت مسئولیت عینی پیش رفت. زیرا دیگر مسئولیت بر مبنای ارزیابی رفتار پدیدآورنده خسارت تعیین نمی‌شود، بلکه نفس فعالیت موجد زیان مبنای مسئولیت است (Op. cit. p. 14). ایراد مهم وارد بر این نظر مسئول دانستن هر شخص به سبب فعالیت وی است؛ فارغ از اینکه آن فعالیت مشروع یا نامشروع باشد. زیرا این مسئله موجب ترس از مسئولیت می‌شود و انسان‌ها را از اعمال مشروع نیز باز می‌دارد. بنابراین «امروز کمتر کسی است که از نظریه ایجاد خطر، به مفهوم مطلق آن، پیروی

۱. «قانون الزام دولت به پیگیری و استیفای حقوق اتباع و دیپلمات‌های ایرانی آسیب‌دیده از اقدامات دولت‌های خارجی به‌ویژه دولت اشغالگر امریکا» مصوب ۱۳۸۹/۰۳/۲۶، «قانون الزام دولت به پیگیری جبران خسارات ناشی از اقدامات و جنایات امریکا علیه ایران و اتباع ایرانی» مصوب ۱۳۹۵/۰۲/۲۸، «قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی امریکا در منطقه» مصوب ۱۳۹۶/۰۵/۲۲، و «ماده واحده استفاده از خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی و یا خارجی به منظور استیفای حقوق ملت ایران در دعاوی ایران علیه خارجی‌ان و بالعکس» مصوب ۱۳۶۰/۰۹/۲۹. (برای مطالعه تحلیلی این قوانین، رجوع شود به: راضی، سپیده و جنیدی، لیا (۱۴۰۱). نگاهی انتقادی به عملکرد تقنینی ایران در مورد مسئولیت مدنی دولت خارجی در اعمال تحریم، پژوهش حقوق خصوصی، د ۱۱، ش ۴۱)

کند. کسانی که می‌خواهند لزوم تقصیر را انکار کنند می‌کوشند تا از جهتی دیگر برای تعیین مسئول ضابطه‌ای فراهم آورند.» (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۱۹۲).

بحث بین طرفداران تقصیر و پیشگامان نظریه خطر بسیار پرشور بود. اولی بیم آن را داشت که ترک تقصیر مسئولیت مدنی را از هر گونه مبنای اخلاقی سلب کند و دومی آن را بیشتر به عنوان آغاز یک انقلاب می‌دانست که کاملاً نیازهای جامعه مدرن را برآورده کند (Cédric, 2006: 138Coulon). از این رو، برخی نظریه مختلط یا واسطه را مطرح کردند که سعی بر آشتی دادن پایه کلاسیک با نظریه‌های مدرن دارد (Demogue, 1923: 463). بر اساس آن، فعالیت سبب ایجاد مسئولیت می‌شود که نامشروع و نامتعارف باشد (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۱۹۵). برخی دیگر ضمن بازگشت به نظریه تقصیر برای آن مفهوم نوعی یا اجتماعی در نظر گرفتند. آنان نظریه خطر را به عنوان اینکه مادی‌گرا و تا حدی غیراخلاقی است رد می‌کنند و برآنند که حقوق باید ارزش‌های اخلاقی و معنوی را حفظ کند و رفتار عامل زیان را با رفتار یک انسان متعارف داوری کند (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۹: ۷۴). در این صورت میان نظریه مختلط یا واسطه با نظریه تقصیر، در صورتی که معیار تمیز خطا داوری اجتماع باشد، دیگر تفاوتی باقی نمی‌ماند (کاتوزیان، ۱۴۰۰). شایان ذکر است، در هیچ کشوری یکی از نظریه‌ها به طور همه‌گیر پذیرفته نشده ولی در اکثر کشورها اصل بر نظریه تقصیر است و مسئولیت بدون تقصیر به صورت فرعی و استثنائی به اجرا گذاشته می‌شود (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۹: ۶۱؛ کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۲۰۴؛ قاسم‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۰).

۲.۱.۲. مبانی مسئولیت مدنی ناشی از اعمال تحریم در حقوق داخلی

پس از تبیین مبانی عام مسئولیت مدنی در حقوق داخلی، حال باید روشن شود که مسئولیت مدنی ناشی از اعمال تحریم از کدامیک از این نظریه‌ها پیروی می‌کند. ماده ۱ «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» مصوب ۱۳۹۰ به عنوان قانون خاص در این زمینه مسئولیت دولت خارجی را زمانی محقق می‌داند که عملی «با نقض مقررات و موازین حقوق بین‌الملل» ارتکاب یافته باشد. آنچه از این ماده استنباط می‌شود توجه قانون‌گذار به نفس عمل به عنوان یک معیار نوعی است، بدون آنکه میان عمدی یا غیرعمدی آن تفاوتی قائل شود. اما صرف ارتکاب عمل را نیز موجب مسئولیت نمی‌داند، بلکه باید آن عمل با نقض مقررات و موازین حقوق بین‌الملل رخ داده باشد. بنابراین این ماده از یک سو فارغ از کشف عنصر ذهنی فاعل که بیانگر نظریه تقصیر شخصی است به نفس عمل منشأ زیان توجه دارد. از سوی دیگر، عملی را موجب مسئولیت می‌داند که ناقض مقررات و موازین حقوق بین‌الملل باشد و بدین ترتیب از نظریه خطر در مفهوم داخلی که شخص را به واسطه ایجاد محیط خطرناک به علت فعالیتش مسئول می‌داند فاصله می‌گیرد.

برای تعیین مبانی مسئولیت مدنی ناشی از اعمال تحریم، در نگاه نخست می‌توان آن را پیرو نظریه تقصیر نوعی و همچنین نظریه مختلط خطا و خطر دانست. هر دو نظریه همان‌طور که در مبحث پیشین بیان شد سعی بر آشتی دادن پایه‌های کلاسیک با نظریه‌های مدرن دارند. از این رو میان نظریه مختلط با نظریه تقصیر در صورتی که معیار تمیز خطا داوری اجتماع باشد دیگر تفاوتی باقی نمی‌ماند (کاتوزیان، ۱۴۰۰). البته به نظر می‌رسد تفاوت‌های ظریفی میان این دو نظریه وجود دارد؛ بدین شرح که با وجود تعبیر تقصیر نوعی همچنان این نظریه در دسته مسئولیت ذهنی است و برای احراز مسئولیت عنصر اخلاقی و قابل سرزنش بودن رفتار عامل زیان نسبت به رفتار انسان متعارف سنجیده می‌شود. حال آنکه نظریه مختلط گامی به سوی مسئولیت عینی است و وجود تقصیر در رفتار عامل زیان و قابل سرزنش بودن آن ولو با مقایسه با رفتار یک انسان متعارف ملاک نیست بلکه آنچه در احراز مسئولیت حائز اهمیت است نفس ارتکاب عمل نامشروع است. همچنین اثبات تقصیر عامل زیان مورد توجه نیست بلکه اثبات نفس عمل نامشروع و انتساب ضرر به آن فعالیت کفایت می‌کند. با این حال این دو نظریه در عمل بسیار به یکدیگر نزدیک می‌شوند.

نکته دیگری که برای تعیین مبانی این مسئولیت باید توجه داشت این است که در حقوق داخلی طبق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی اصل بر نظریه تقصیر است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۹: ۶۱؛ کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۲۰۴؛ قاسم‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۰) و در موارد تردید در انتخاب میان دو نظریه باید به اصل رجوع کرد. با ذکر این مقدمات باید گفت از آنجا که نقض قانون خود تقصیر محسوب

می‌شود، نقض مقررات یادشده در ماده ۱ قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مصداقی از مصادیق نظریه تقصیر نوعی به شمار می‌آید.

۱.۲. مبانی عام و خاص مسئولیت مدنی در حقوق بین‌الملل

بررسی مبانی مسئولیت مدنی یکی از مسائل مهم در نظام حقوق بین‌الملل است؛ طوری که از همان زمان ظهور حقوق بین‌الملل نظریه‌هایی در این زمینه مطرح شده است (Ouedraogo Awalou, 2008: 129). از این رو، ابتدا مبانی عام مسئولیت مدنی در حقوق بین‌الملل و سپس مبانی مسئولیت مدنی ناشی از اعمال تحریم به طور خاص بررسی می‌شود.

۱.۱.۲. مبانی مسئولیت مدنی در حقوق بین‌الملل

در مورد مبانی مسئولیت مدنی در نظام حقوق بین‌الملل سه نظریه اصلی مطرح شده است که شامل دو نظریه بنیادین «تقصیر یا مسئولیت ذهنی» و «خطر یا مسئولیت عینی» و نظریه جدید «مسئولیت برای اعمال منع نشده» می‌شود. طبق نظریه تقصیر یا مسئولیت ذهنی عمل مغایر با مقررات بین‌المللی به‌تنهایی برای ایجاد مسئولیت بین‌المللی کافی نیست، بلکه باید سوءنیت یا سهل‌انگاری شخص ثابت شود.^۱ آنزیلوتی با طرح نظام مسئولیت عینی در نقد نظریه تقصیر بیان کرد جست‌وجوی مؤلفه‌های روانی در رابطه با اراده انسان به خودی خود دشوار است. حال طبق نظریه تقصیر این دشواری باید به دولت به عنوان یک موجود انتزاعی منتقل شود. همچنین تفسیر صحیح از سوءنیت و سهل‌انگاری در جایی که عمل نماینده دولتی با قوانین داخلی مطابقت کامل دارد و در عین حال نقض قوانین بین‌المللی محسوب می‌شود به‌سختی امکان‌پذیر است.^۲ بر اساس نظریه آنزیلوتی که با عنوان نظریه خطر نیز یاد می‌شود، نقض هر تعهد بین‌المللی فارغ از آنکه توأم با تقصیر باشد یا نباشد موجب تحقق مسئولیت بین‌المللی است. زیرا این مسئولیت باید بر پایه‌ای استوار بنا شود تا تابعان حقوق بین‌الملل نتوانند، با توسل به فقدان عنصر ذهنی تقصیر، خود را از مسئولیت معاف کنند.^۳ دادگاه‌های بین‌المللی نیز به‌سختی از مفهوم تقصیر و کشف عنصر ذهنی مقصر استفاده می‌کنند و به جای آن عبارت «عمل نادرست و ناموجه»^۴ را برای پوشش هر گونه نقض مقررات

۱. ضیایی بیگدلی (۱۴۰۱)، *حقوق بین‌الملل عمومی*، ج ۷۵، تهران: گنج دانش، ص ۴۵۹. همچنین رجوع کنید به:

Kolb, R. (2017). *The international law of State responsibility*. Edward Elgar publishing, chapter 1, p.14.

“The first system is based on ‘responsibility for fault’. The consequences of responsibility are triggered here only if fault of the responsible entity can be established, either by malicious intent or by negligence. The burden of proof of such fault ordinarily lies on the claimant”

Besson, S. (2022). *Theories of International Responsibility Law*. Cambridge University Press. p. 231.

“Fault is a breach of a legal duty combined with an actual or modal mental element. In cases of reckless or deliberate conduct, fault requires an actual mental state, such as knowledge or intent”

2. Dupuy, P. (1992). *Dionisio Anzilotti*. the Law of International Responsibility of States, EJIL. p. 139-141.

3. Borchard, E. M. (1929). *Theoretical Aspects of the International Responsibility of States*. Yale University. p. 224.

“Anzilotti's (Risk) theory merely demands a violation of international law with respect to an alien, i.e. a wrongful act attributable to the State, whether "fault" is present or not”

Kolb, R., 2017, p. 18. The second system is based on ‘strict responsibility’ (responsabilité objective relative). The wrongdoing entity is here responsible for the breach of some obligation incumbent upon it, i.e. for the breach of legality. However, the law allows that entity to ward off the main consequences of responsibility by invoking successfully one or more recognized ‘circumstances precluding wrongfulness’.

This means that the burden of proof is shifted: it is incumbent on the wrong doing State to successfully prove the existence of the conditions allowing the invocation of a circumstance precluding wrongfulness”.

Pisillo-Mazzeschi, Riccardo The Due Diligence Rule and the Nature of the International Responsibility of States, 35GermanYBIntlL9, 1992, p.15 “Anzilotti's view is that responsibility must always be understood as purely objective in so far as it arises from the violation of the right of another and from imputability, understood as a mere causation link between the wrongful act and the State, independent from any subjective basis of fault of the actor”

Bagga, Sparsh, *State Responsibility under International law*, Law Bhoomi, 2021:

“Risk theory: it says that state is strictly, responsible if any of the organ of the state commit any wrongful act, state may be directly or indirectly responsible for the act”.

ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۱: ۴۶۰: «نظریه خطر یا مسئولیت عینی مسئولیت بین‌المللی دارای خصوصیتی کاملاً عینی و غیرشخصی است و تنها کافی است که عمل ارتكابی برخلاف مقررات و تعهدات بین‌المللی باشد تا مسئولیت محرز گردد و دیگر تحقیق در مورد تقصیر یا عدم تقصیر مرتکب لزومی ندارد».

بین‌المللی به کار می‌برند و هیچ تمایز اساسی میان ارتکاب این عمل به صورت غیرعمدی یا با میزانی از سوءنیت یا سهل‌انگاری قائل نیستند (Borchard, 1929: 225). باید توجه داشت مسئولیت مبتنی بر تقصیر یک رژیم عادی مسئولیت در عرصه بین‌المللی محسوب نمی‌شود، بلکه صرفاً زمانی که نقض تعهدات اولیه بین‌المللی مستلزم وجود برخی از عناصر تقصیر باشد احراز آن لازم است (Kolb, 2017: 19). به این معنا که در حقوق بین‌الملل به مانند حقوق داخلی اصل بر اعمال نظریه تقصیر نیست بلکه صرفاً در صورتی که برای نقض یک تعهد اولیه کشف عنصر ذهنی شرط شده باشد احراز تقصیر لازم می‌شود. مثلاً نظر به ذکر لزوم وجود قصد در ماده ۲ کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی^۱، کشف عنصر تقصیر در احراز نقض و به تبع تحقق مسئولیت بین‌المللی در این مورد ضروری است.

در حقوق بین‌الملل نظریه جدیدی با عنوان «مسئولیت برای اعمال منع‌نشده» مطرح شده است که بر اساس آن برخی فعالیت‌های خطرناک که شدت آسیب ناشی از آن ممکن است موجب ورود زیان به افراد و محیط زیست شود خواه نقض تعهد بین‌المللی رخ داده یا نداده باشد موجب تحقق مسئولیت می‌شود (Kolb, op. cit.). به عبارتی دیگر، مسئولیت یک دولت ناشی از تقصیر یا نادرست بودن عملش نیست، بلکه ناشی از عواقب زیان‌باری است که افراد خارج از مرزهای آن متحمل می‌شوند.^۲ از این رو، به دلیل پرخطر بودن یک فعالیت، صرف ورود خسارت برای مسئولیت کافی است، هرچند رفتار یا عملی که صورت گرفته از دید حقوق بین‌الملل مجاز بوده باشد. مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال فوق‌العاده خطرناک موضوع دو پیش‌نویس کمیسیون نیز قرار گرفته است.^۳

کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مبنای مسئولیت در سند «مسئولیت دولت‌ها برای اعمال نادرست بین‌المللی» تصمیم داشت با تأکید بر اصل مسئولیت عینی از این مناقشه جلوگیری کند (Ouedraogo Awalou, 2008: 129). آگو، گزارشگر ویژه این طرح، اعلام کرد اصطلاح «تقصیر» به عنوان عنصر یا شرط یک عمل نادرست بین‌المللی تحت پیش‌نویس مواد مربوط به مسئولیت دولت فی نفسه کنار گذاشته شده است؛^۴ گرچه این اصطلاح در یک رژیم عینی مسئولیت به این معنا است که در صورت غیاب هر گونه شرط خاص مربوط به تقصیر در نقض یک تعهد اولیه صرف ارتکاب عمل نادرست بین‌المللی دارای اهمیت است و دیگر قصد یا عدم قصد تأثیری ندارد (ابراهیم گل، ۱۳۹۸: ۳۴؛ ضیایی و روحانی، ۱۳۹۹: ۲۴۹). پس در جایی که وجود قصد در معاهده‌ای شرط است، مانند ماده ۲ کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی، عنصر تقصیر در احراز مسئولیت بین‌المللی ضروری است. اما در صورت غیاب چنین شرطی در نقض تعهد اولیه، صرف ارتکاب عمل نادرست فارغ از اینکه مرتکب قصدی داشته یا نداشته باشد موجب تحقق مسئولیت بین‌المللی می‌شود.^۵ بنابراین، مبنای واحدی برای تحقق مسئولیت بین‌المللی وجود ندارد (Oppenheim, 2012: 509) که در هر شرایطی قابل اجرا باشد، بلکه به ماهیت تعهد مورد نظر بستگی دارد.

۲.۱.۲. مبنای مسئولیت مدنی ناشی از اعمال تحریم در حقوق بین‌الملل

برای کشف مبنای مسئولیت مدنی ناشی از اعمال تحریم در حقوق بین‌الملل، بر اساس مطالب و مستندات که پیش از این بیان شده، باید به این مقدمات توجه داشت: یک. مفهوم نظریه خطر در حقوق بین‌الملل با مفهوم آن در حقوق داخلی اندکی متفاوت است. این نظریه در هر دو حوزه حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل تابع مسئولیت عینی است. اما در مورد اینکه نفس ارتکاب عمل

۱. در این کنوانسیون، نسل‌کشی به هر یک از اعمال زیر اطلاق می‌شود که به (قصد نابودی کلی یا جزئی) یک گروه ملی، قومی، نژادی، یا مذهبی انجام می‌شود: الف) کشتن اعضای گروه؛ ب) ایجاد آسیب جدی جسمی یا روحی به اعضای گروه؛ ج) تحمیل عمدی شرایط زندگی گروهی که به گونه‌ای محاسبه شده است که به طور کلی یا جزئی تخریب فیزیکی آن را به همراه داشته باشد؛ د) اعمال تدابیری برای جلوگیری از تولد در داخل گروه؛ ه) انتقال اجباری کودکان گروه به گروهی دیگر.

2. Sucharitkul Sompong, State Responsibility and International Liability under International Law, 18 Loyola of Los Angeles Int'l. & Comp. L.J. 821, 1996, GGU Law Digital Commons, p. 828:

"International Liability for Injurious Consequences Arising out of Acts Not Prohibited by International Law: ... The liability of a State does not stem from its fault or the wrongfulness of its act, but from the injurious consequences suffered by persons beyond its boundaries".

3. Draft articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities, 2001 and Draft principles on the allocation of loss in the case of transboundary harm arising out of hazardous activities, 2006.

4. Chapter I: General Principles', 2(2) ILC Yearbook (2001) 32, at 36, para. 10.

5. Pellet, Alain, 2010, p.6. "In the absence of any specific requirement of a mental element in terms of the primary obligation, it is only the act of the State that matters, independently of any intention"

موجب تحقق مسئولیت است یا اینکه مسئولیت صرفاً با ارتکاب عملی که نامشروع و غیرقانونی باشد تحقق می‌یابد تفاوت دارد. براساس نظریه خطر در حقوق داخلی انجام فعالیت دارای نفع مادی و معنوی به واسطه ایجاد محیط خطرناک موجب تحقق مسئولیت است اعم از آنکه آن عمل مشروع یا نامشروع باشد. درحالی‌که مطابق مفهوم نظریه خطر در حقوق بین‌الملل مسئولیت بین‌المللی صرفاً با ارتکاب عمل نامشروع و مغایر با مقررات و تعهدات بین‌المللی تحقق می‌یابد و مسئولیت ناشی از برخی فعالیت‌های خطرناک که شدت آسیب ناشی از آن ممکن است موجب ورود زیان به افراد و محیط زیست شود ذیل عنوان نظریه «مسئولیت برای اعمال منع‌نشده» در حقوق بین‌الملل جای می‌گیرد. بر اساس این نظریه برای تحقق مسئولیت مهم نیست که فعالیت خطرناک با نقض تعهد بین‌المللی رخ داده یا نداده باشد. دو نوع رایج مسئولیت در حقوق بین‌الملل اصولاً با ارتکاب عمل ناقض مقررات بین‌المللی فارغ از اینکه توأم با تقصیر باشد یا نباشد تحقق می‌یابد (Kolb, 2017: 20). کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز در ماده ۲ سند مسئولیت دولت‌ها و ماده ۴ سند مسئولیت سازمان‌ها عمل ارتكابی از سوی دولت یا سازمان را هنگامی موجب مسئولیت می‌داند که با نقض تعهد بین‌المللی همراه باشد، فارغ از آنکه منشأ تعهد چیست. مفهوم تعهد به همه منابع حقوق بین‌الملل شامل معاهدات، حقوق بین‌الملل عرفی، و اصول کلی حقوقی اشاره دارد. بدین ترتیب، اعمال نظریه تقصیر و نظریه مسئولیت برای اعمال منع‌نشده در عرصه بین‌المللی حالت فرعی و استثنائی دارد. نظریه تقصیر در جایی قابل اعمال است که وجود قصد در تعهدات شرط شده باشد. نظریه مسئولیت برای اعمال منع‌نشده نیز صرفاً به برخی فعالیت‌های خطرناک که منجر به آسیب به افراد و محیط زیست می‌شود اختصاص دارد. سه طبق دیدگاه‌های فکری حاکم بر اعمال تحریم که در بخش نخست این پژوهش شرح داده شد و نظریه منتخب ارائه شد، حدود اختیار اعمال تحریم تا جایی است که با نقض تعهدات بین‌المللی همراه نباشد. بنابراین اگر مرجع تحریم‌کننده معاهدات عام‌الشمول حقوق بشری، معاهدات دوجانبه میان دو کشور، و همچنین اصول کلی حقوقی از جمله اصل ملاحظیات اولیه انسانی^۱، اصل عدم مداخله^۲، اصل برابری حاکمیت کشورها^۳، اصل حسن‌نیت^۴، و لزوم وفای به عهد^۵ را با اعمال تحریم‌های گسترده نقض کند مسئولیت بین‌المللی قابل تحقق است. چهارم. رویه قضایی بین‌المللی نیز علی‌الصول نقض تعهد را فارغ از اینکه تقصیری رخ داده یا نداده باشد موجب تحقق مسئولیت می‌داند که به چند نمونه از این آرا اشاره می‌شود. دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا^۶ در سال ۱۹۸۶ تحریم‌های تجاری ایالات متحده علیه این کشور را به دلیل نقض معاهده میان دو کشور غیرقانونی تشخیص داد.^۷ در پرونده کارخانه کورزوف، دیوان اعلام کرد نقض هر تعهد تعهد به جبران آن را به شیوه مناسب در پی دارد و جبران خسارت باید «تا حد امکان» همه پیامدهای عمل غیرقانونی و نادرست را از بین ببرد.^۸ در پرونده آلمان علیه ایتالیا به دلیل نقض مصونیت دولت آلمان در دادگاه‌های داخلی ایتالیا دیوان کشور اخیر را به دلیل نقض صورت‌گرفته محکوم کرد.^۹ در پرونده گابجیکو ناگیماروس، مجارستان و اسلواکی مدعی ارتکاب عمل مغایر حقوق بین‌الملل توسط طرف مقابل شدند. دیوان با بررسی موضوع، با احراز ارتکاب عمل نادرست بین‌المللی از سوی هر دو طرف، مسئولیت طرفین را اعلام کرد.^{۱۰}

با طرح این مقدمات باید گفت مبنای مسئولیت مدنی ناشی از اعمال تحریم تابع نظریه خطر و مسئولیت عینی است و علی‌الاصول با اعمال تحریم‌های مغایر با موازین حقوق بین‌الملل فارغ از کشف عنصر ذهنی تحقق می‌یابد. بنابراین، اعمال تحریم‌هایی که وضع یا اثر آن ناقض مقررات بین‌المللی است موجب تحقق مسئولیت مرجع تحریم‌کننده می‌شود. قابل توجه است

1. elementary considerations of humanity

2. the principle of non-intervention

3. the principle of sovereign equality of states

4. the principle of good faith

5. pacta sunt servanda

6. Nicaragua v. United States, ICJ Judgment of 27 June 1986, para. 276. <https://www.icj-cij.org/public/files/case-related/70/070-19860627-JUD-01-00-EN.pdf>

7. Ibid, paras. 277-282.

8. Case Factory at Chorzow, Publications of the Permanent Court of International Justice (P.C.I.J), Series A, No. 9, July 26th, 1927, p. 47.

9. Case Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), Judgment, I.C.J. Reports 2012, para. 137.

10. Case GabCikovo-Nagymaros, Hungary/ Slovakia. 25 September 1997, Para.150.

در مورد قواعد مربوط به حمایت از حقوق بشر حتی اگر وضع تحریم به نحو مشروع صورت گرفته باشد ولی اثر آن موجب نقض این قواعد شود که در برخی از موارد تحریم‌های شورای امنیت مصداق یافته است منجر به تحقق مسئولیت مرجع تحریم‌کننده خواهد شد. زیرا قواعد مربوط به حمایت از حقوق بشر از قواعد آمره محسوب می‌شود^۱ و اعمال تحریم به نحو مشروع نیز نمی‌تواند خدشه‌ای به این حقوق بنیادین وارد سازد.

نتیجه

در میان دیدگاه‌های فکری حاکم بر اعمال تحریم شامل دیدگاه حاکمیت کشور، دیدگاه بی‌طرفی و منع حقوقی دیدگاه میانه که همان دیدگاه بی‌طرفی است برگزیده شد. ولی با لحاظ این قید که تحریم‌های اولیه نیز به طور مطلق مشروع نیستند، بلکه اعمال تحریم نباید با نقض تعهدات بین‌المللی همراه باشد. این تعهدات شامل معاهدات بین‌المللی از جمله معاهدات حقوق بشری، عهدنامه «مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی»، بیانیه الجزایر، و همچنین اصول کلی حقوقی شامل اصل ملاحظات اولیه انسانی، اصل عدم مداخله، اصل برابری حاکمیت کشورها، اصل حسن‌نیت، و لزوم وفای به عهد می‌شود. بدین ترتیب، با اعمال تحریم‌های مغایر با مقررات بین‌المللی مرجع تحریم‌کننده مسئول تلقی می‌شود.

مبنای مسئولیت مدنی ناشی از اعمال تحریم‌های نامشروع بدین ترتیب است که در حقوق داخلی بر اساس عبارت «نقض مقررات و موازین حقوق بین‌الملل» در ماده ۱ «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» به عنوان قانون خاص در این زمینه نفس عمل به عنوان یک معیار نوعی فارغ از اینکه عمدی یا غیرعمدی باشد اهمیت دارد. اما صرف ارتکاب عمل موجب مسئولیت نیست؛ بلکه باید آن عمل با نقض مقررات و موازین حقوق بین‌الملل رخ داده باشد. بنابراین این ماده از یک سو فارغ از کشف عنصر ذهنی فاعل که بیانگر نظریه تقصیر شخصی است به نفس عمل به عنوان معیار نوعی توجه دارد. از سوی دیگر، عملی را موجب مسئولیت می‌داند که ناقض مقررات و موازین حقوق بین‌الملل باشد. با توجه به اینکه نقض قانون خود تقصیر محسوب می‌شود، نقض مقررات مذکور در ماده ۱ مصداقی از مصادیق نظریه تقصیر به شمار می‌آید. از این رو، مسئولیت مدنی ناشی از اعمال تحریم در حقوق داخلی را می‌توان پیرو نظریه تقصیر نوعی دانست.

برای کشف مبنای مسئولیت مدنی ناشی از اعمال تحریم در حقوق بین‌الملل، نظر به تفاوت ظریفی که در مفاهیم مسئولیت ذهنی و عینی در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل وجود دارد، مذاقه در سند مسئولیت دولت‌ها برای اعمال نادرست بین‌المللی و سند مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی و همچنین بررسی رویه قضایی، باید بیان کرد که مبنای این مسئولیت تابع مسئولیت عینی و نظریه خطر است و با اعمال تحریم‌های مغایر با موازین حقوق بین‌الملل فارغ از کشف عنصر ذهنی فاعل تحقق می‌یابد. بنابراین، اعمال تحریم‌هایی که وضع یا اثر آن ناقض مقررات بین‌المللی است موجب تحقق مسئولیت مرجع تحریم‌کننده می‌شود.

1. Case Barcelona Traction, light and power company, limited (Belgium v. Spain), ICJ. Reports, Judgment of 5 February 1970, para. 32.

منابع

- ابراهیم گل، علی رضا (۱۳۹۸). *مسئولیت بین‌المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل*. ج ۱۱. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- بادینی، حسن (۱۳۸۳). هدف مسئولیت مدنی. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۶۶.
- حسینی‌نژاد، حسین‌قلی (۱۳۷۰). *مسئولیت مدنی*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
- جنیدی، لعیبا و راضی، سپیده (۱۴۰۱). نگاهی انتقادی به عملکرد تقنینی ایران در مورد مسئولیت مدنی دولت خارجی در اعمال تحریم. *پژوهش حقوق خصوصی*، د ۱۱، ش ۴۱.
- صفایی، حسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۹). *مسئولیت مدنی تطبیقی*. ج ۲. شهر دانش.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۶). *حقوق بین‌الملل عمومی*. ج ۳۰. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ضیائی، یاسر و روحانی، زهراسادات (۱۳۹۹). پیامدهای حقوقی مسئولیت بین‌المللی دولت در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در پرتو طرح مسئولیت بین‌المللی دولت مورخ ۲۰۰۱. *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، د ۲۵، ش ۹۲.
- قاسم‌زاده، مرتضی (۱۳۸۸). *الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد*. ج ۸. تهران: میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۰). *الزامهای خارج از قرارداد مسئولیت مدنی*. ج ۳. تهران: گنج دانش. جلد اول: قواعد عمومی. ممتاز، جمشید، تحریر اقتصادی و حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۲، ۱۳۶۰.
- وکیل، امیرساعد (۱۳۹۰). *ضمانت اجرای حقوق بنیادین بشر*. بنیاد حقوقی میزان.
- Ebrahim-Gol, A. (2018). *Responsibility of states for Internationally Wrongful Acts with Commentaries*. 11th edition. Tehran: Shahre Danesh Institute of Law Research and Studies. (In Persian)
- Badini, H. (2004). Purpose of civil responsibility. *Journal of Faculty of Law and Political Science*, No. 66. (In Persian)
- Besson, S. (2022). *Theories of International Responsibility Law*. Cambridge University Press.
- Bloomfield, L. & Egypt, M. (2017). *Israel, and the Gulf of Aqaba in International Law, Carswell, 1957*. published online by Cambridge University Press.
- Borchard, E. M. (1929). *Theoretical Aspects of the International Responsibility of States*. Yale University.
- Bailey, T. A. (1934). the United States and the Blacklist during the Great War. *The Journal of Modern History*, Vol. 6, No. 1.
- Coulon, C., Demogue, R. (2006). le droit de la responsabilité civile. *Revue interdisciplinaire d'études juridiques*, Vol. 56.
- Davis, L. & Engerman, S. (2003). Sanctions: Neither War nor Peace. *Journal of Economic Perspectives*, Vol. 17, No. 2.
- Dupuy, P-M. (1992). Dionisio Anzilotti, the Law of International Responsibility of States, EJIL.
- Dubin, A. S. (1979). A Journey through the Antiboycott Laws, *Tulsa Law Review*, Vol. 14.
- Demogue, R. (1923). *Traité des obligations en général*. Publisher Rousseau. Vol. 1. n 277.
- Folch, A.E. (2010). Economic Sanctions and the Duration of Civil Conflicts. *Journal of Peace Research*.
- Fournier S., P. Maistre du Chambon (2015). *La responsabilité civile délictuelle*. 4e edition. Presses universitaires de Grenoble.
- Hosseini-Nejad, H. (1991). *Civil Responsibility*. Tehran: Shahid Beheshti Academic Jihad Publications. (In Persian)
- Kolb, R. (2017). *The International law of State responsibility*. Edward Elgar publishing.
- Nokkala, E. (2021). *He Development of the Law of Nations: Wolff and Vattel*. Cambridge University Press.
- Neff, S. (1998). Economic Warfare in Contemporary International Law: Three Schools of Thought, Evaluated according to an historical method. *Stanford Journal of International Law*.
- Oppenheim, L. (2012). *International Law: A Treatise*. Vol. 1. Peace. London, New York: Longmans, Green, and Co, 1905, Electronic version.
- Ouedraogo, A. (2008). Évolution du concept de faute dan la Théorie de la responsabilité Internationale des États, 21.2 *Revue québécoise de droit international*.
- Katouzian, N. (2021). *Obligations outside the contract of civil liability*. Third edition. Ganj Danesh Publications. First volume: general rules. (In Persian)
- Pellet, A., Crawford, J., & Olleson, S. (2010). *The Law of International Responsibility*. Chapter 1. Oxford University Press.
- Pisillo-Mazzeschi (1992). Riccardo the Due Diligence Rule and the Nature of the International Responsibility of States, 35 *GermanYBIntIL* 9.
- Sheridan, P. F. (1995). *Study of Civil Liability Systems for Remedying Environmental Damage*, CMS Cameron McKenna.

- Sucharitkul Sompong (1996). State Responsibility and International Liability under International Law, 18 Loyola of Los Angeles Int'l. & Comp. L.J. 821, GGU Law Digital Commons.
- Safai, H. & Rahimi, H. (2019). *Comparative Civil Liability*. Second edition. Shahr-danesh. (In Persian)
- Schreiber, A. P. (1973). Economic Coercion as an Instrument of Foreign Policy: U.S. Economic Measures against Cuba and the Dominican Republic, Vol. 25, No. 3.
- Thomas A. R. & Duncan, J. C. (2017). *The Law of Neutrality*. International Law Studies, Vol. 78, Electronic version.
- Tribolo, J. (2017). "La théorie de la fonction promotionnelle du droit de Norberto Bobbio: contribution au débat sur la juridicité du droit international", Revue de la Recherche Juridique - Droit prospectif, Presses Universitaires d'Aix-Marseille.
- Terré. F. et al. (2018). *Droit Civil, les obligations*. 12e éd. Dalloz, no1051.
- Verhoeven, J. (2000). Charles de Visscher: Living and Thinking International Law. *EJIL*, Vol. 11, No. 4.
- Vattel, E. (2008). The Law of Nations, Or, Principles of the Law of Nature, Applied to the Conduct and Affairs of Nations and Sovereigns, with Three Early Essays on the Origin and Nature of Natural Law and on Luxury, Liberty Fund.
- Vkil, A. (2011). *Guarantee of implementation of fundamental human rights*. Mizan Legal Foundation. (In Persian)
- Ziai Begdali, M. (2006). *Public International Law*. 30th edition. Tehran: Ganj Danesh Library. (In Persian)
- Ziyaei, Y. & Rouhani, Z. (2019). Legal Consequences of the International Responsibility of the State in the Procedure of the International Court of Justice in the Light of the Draft of Responsibility of states for Internationally Wrongful Acts 2001. *Scientific Quarterly of Judicial Law Perspectives*, Vol. 25, No. 92. (In Persian)

Documents and Cases

- Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts of 2001.
- Draft articles on the responsibility of international organizations of 2011.
- Draft articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities, 2001 and Draft principles on the allocation of loss in the case of transboundary harm arising out of hazardous activities, 2006.
- Security Council resolution 562 (1985) [Nicaragua-USA], 10 May 1985
- Resolutions of responsibility of States for internationally wrongful acts: Resolution 56/83 of 12 December 2001, the annex to which contains the text of the articles on responsibility of States for internationally wrongful acts, resolutions 59/35 of 2 December 2004, 62/61 of 6 December 2007 and 65/19 of 6 December 2010 commending the articles to the attention of Governments, Eventually Resolution 68/104 adopted by the General Assembly on 16 December 2013.
- Resolutions of Responsibility of international organizations: Resolution 66/100 of 9 December 2011, the annex to which contains the text of the articles on the responsibility of international organizations, and its resolutions 69/126 of 10 December 2014 and 72/122 of 7 December 2017 commending the articles to the attention of Governments and international organizations, Eventually Resolution 75/143 adopted by the General Assembly on 15 December 2020.
- Case Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), Judgment, I.C.J. Reports 2012,
- Case Nicaragua v. United States, ICJ Judgment of 27 June 1986.
- <https://www.icj-cij.org/public/files/case-related/70/070-19860627-JUD-01-00-EN.pdf>
- Case GabCikovo-Nagymaros, Hungary/ Slovakia. 25 September 1997, Para.150.
- Case Barcelona Traction, light and power company, limited (Belgium v. Spain), ICJ. Reports, Judgment of 5 February 1970, para. 32.